

ظرف و جار و مجرور را شبهه جمله گویند.

ظرف منصوب است و جار و مجرور نیز محلاً منصوب و عاملش، متعلق آن است.

بنابراین لازم است متعلق شناسایی شود.

گاهی ظرف و جار و مجرور، به شبهه فعل متعلق میشود.

گاهی متعلق ظرف و جار و مجرور در کلام ذکر نشده و مقدر است. این مقدر بودن

گاهی جایز و جاهی واجب است.

موارد تقدیر متعلق:

۱. موارد وجوب تقدیر:

(۱) اگر ظرف و جار و مجرور، خبر، صفت، صله یا حال باشد، متعلق

محدوف خواهد بود.

■ و لله ما فی السماوات و ما فی الارض

شرح: لله جار و مجرور و فی السماوات و فی الارض هر دو صله و

هر سه متعلق به عامل محذوفند.

جار و مجرور بعد از نکره، «صفت» و بعد از معرفه، «حال» است.

(۲) متعلق بعضی از حروف جرّ، واجب الحذف است. مانند واو قسم که

متعلق آن «أقسم» واجب الحذف است.

■ فو ربّ السماء و الارض انه لحقّ

۲. موارد جواز تقدیر:

به طور کلی هر جا که قرینه ای در کلام موجود باشد، میتوان حذف انجام داد.

■ و الی ثمود اخاهم صالحا

در این مثال متعلق محذوف، ارسلنا جایز الحذف است.

اهمیت تشخیص متعلق:

گاهی یافتن متعلق دشوار شده و فهم صحیح معنا نیز، وابسته به فهم صحیح متعلق می‌گردد. البته اصلی‌ترین روش یافتن متعلق، از طریق معناست؛ اما درک صحیح معنا نیز، در گرو تشخیص صحیح متعلق است. به این ترتیب رابطه متعلق و معنا، یک رابطه دو سویه و رفت و برگشتی است. برای آنکه میزان اهمیت درک متعلق کاملاً ملموس گردد، مثال بسیار مهم و کاربردی را در ادامه مطرح می‌کنیم:

■ إغسل یدکَ الی المرفق

احتمال اول:

اگر الی المرفق را متعلق به إغسل بگیریم معنا چنین است: دست‌هایت را تا مرفق بشوی؛ یعنی الی جهت شستن را مشخص میکند زیرا به إغسل متعلق است.

احتمال دوم:

اگر الی المرفق را حال از یدک و متعلق به «استقر» محذوف بدانیم، معنا چنین است:

دست‌هایت را در حالی که تا مرفق است بشوی. به این معنا که الی المرفق، محدوده شستن را مشخص میکند و نه جهت شستن را و درباره جهت شستن کلام سکوت کرده است؛ یعنی یا اختیاری است یا باید از دلیل دیگری جهت را به دست آوری.

بنابراین در آیه شریفه:

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ مائده ٦

نیز دو احتمال وجود دارد که ما شیعیان با توجه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) الی المرافق را حال برای ایدیکم و متعلق به محذوف میدانیم و جهت شستن را از کلام اهل بیت اخذ می‌کنیم.

حروف جر زائده و شبهه زائده:

حروف جر زائده و شبهه زائده، نیازی به متعلق ندارند. این حروف عبارت اند از:

۱. حروف جر زائده:

گاهی بعضی از حروف جرّ هیچ معنای خاصی در کلام تولید نمیکنند و با حذفشان، خللی در کلام ایجاد نمیکند.

در میان حروف جرّ، «**من**، **ب**، **ل**، **ک**» گاهی زائده میشوند.

- ما من جهاد افضل من جهاد النفس ← ما جهاد افضل من جهاد النفس (امیرالمؤمنین علی علیه السلام: هیچ جهادی با فضیلت تر از جهاد با نفس نیست. غرر الحکم/ص ۲۴۳)
- وكفی بالله شهيدا ← وكفی الله شهيداً (و خدا برای گوه بودن کافی است. نساء/۱۶۶)
- رَدَف لکم ← ردفکم (به دنبال شما باشد)
- لیس کمثله شیء ← لیس مثله شیء (هیچ چیز مانند او نیست. شوری/۱۱)

۲. حروف جر شبیه زائده:

بعضی از حروف جر با وجود اینکه معنا دارند و حذفشان معنای جمله را خراب میکند، اما به متعلق نیاز ندارند. این حروف عبارتند از:

«**کاف تشبیه**، **خلا**، **عدا**، **حاشا**، **رب**»